



گذری بر معماری و شهرسازی ایران در دوره اشکانی (۲۵۶ق.م تا ۲۲۴م.)

علی نوراللهی

دکتری در باستان‌شناسی گرایش دوران تاریخی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

(مکاتبات: alinorallahy@yahoo.com)

چکیده

دوره‌ی اشکانی یکی از مهم‌ترین دوران تاریخ معماری و شهرسازی ایران است. در این دوره طولانی پایه و شالوده معماری و شهرسازی ایران ریخته می‌شود، زیرا در این دوران شهرهای زیادی ساخته یا دوباره مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته شدند که در دوران بعد این سبک شهرسازی و معماری به اوج خود رسید و به سیر تکاملی خود ادامه داد. از طرفی این دوره به دلیل کمبود مدارک، یکی از تاریک‌ترین دوران تاریخی از نظر مطالعات باستان‌شناسی است. متأسفانه تاکنون مطالب پراکنده و بعضاً ضد و نقیض فراوانی درباره معماری و شهرسازی این دوران نوشته شده است. یکی از این نکات مهم که در بحث معماری اشکانی می‌باید توجه را به آن معطوف داشت؛ شیوه ناصحیح محققان و باستان‌شناسان در قیاس مدارک معماری این دوران با دوره پیش و پس از آن است. در این دوره به علت گستردگی قلمرو اشکانیان و نبود سبکی استاندارد، شیوه‌های مختلف معماری شکل گرفته بود که از آسیای مرکزی به وجود آمد و سپس به طرف غرب گسترش یافت با سبک‌های بومی تلفیق یافت و بعد از تصرف بین‌النهرین وارث سبک‌های کهن معماری آن شد. علی‌رغم تحول تأثیرات بلند مدت معماری یونانی بر معماری اشکانی، در نهایت در سبک معماری دوره‌ی اشکانی محو گردید.

واژه‌های کلیدی: معماری اشکانی، شهرسازی، باستان‌شناسی.

Iranian Architecture and Urban Planning in the Parthian Dynasty(256 BC-224 AD)

Norallahy, Ali

PhD of Archaeology in Science and Research University (SRBI AU) Tehran
(Email: alinorallahy@yahoo.com)

Abstract

The Parthian Dynasty one of important the Architectural and urban planning in History of Iran, this period of Iranian Architectural foundation is poured. Because of the many cities are being built and restoration rebuilt again. This style of urban planning and architecture in the period after it reaches its peak and continues its evolution. The other hand due to lack of evidence is one of the darkest periods of archaeological study. Unfortunately so far disperse and contradictory Entries regarding urban architecture of this period is written. One of the important points that we need to focus on the discussion of Parthian architecture, archaeologist and scholars of architectural wrong way by comparative documents to the period before and after it. Due to the lack of the Parthians in the domain of a standard style of architecture was shaped in such a way that the birth of Central Asia and spread to the West. The birth and developed from Central Asia to the West after the conquest was combined with native styles of ancient Mesopotamian architecture was inheriting styles. Despite these developments was heavily influenced by Greek architecture for a long time. But eventually it will digest itself.

Key words: Parthian, Architecture, Urban Planning, Archaeology.

۱- مقدمه

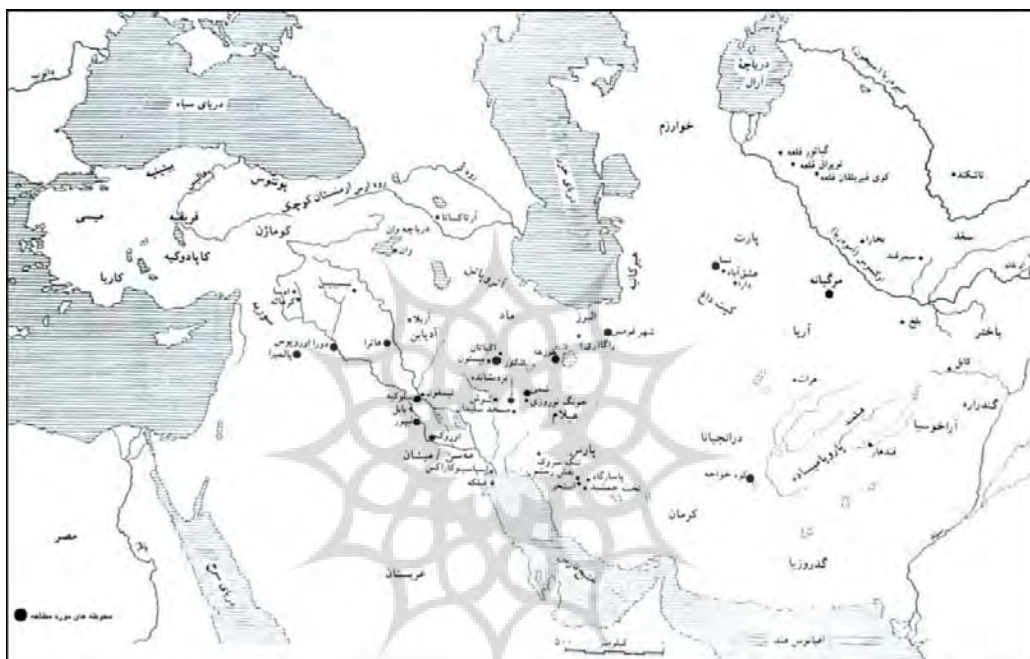
دوره اشکانی یکی از مهم‌ترین دوران تاریخ معماری و شهرسازی ایران است، در این دوره طولانی پایه و شالوده معماری و شهرسازی ایران ریخته می‌شود، زیرا در این دوران شهرهای زیادی ساخته یا دوباره مورد بازسازی و مرمت قرار می‌گیرند که در دوران بعد این سبک شهرسازی و معماری به اوج خود رسیده و به سیر تکاملی خود ادامه می‌دهد. از طرف دیگر این دوره به دلیل کمبود مدارک یکی از تاریک‌ترین دوران از نظر مطالعات باستان‌شناسی است. تاکنون مطالب پراکنده در ارتباط با معماری و شهرسازی این دوران نوشته شده است. یکی از این نکات حائز اهمیت که در بحث معماری اشکانی بایست توجه را به آن معطوف داشت شیوه غیرصحیح محققان و باستان‌شناسان در قیاس مدارک معماری این دوران با دوره پیش و پس از آن است. رویکرد اساسی در مطالعات تاریخ هنر و معماری هر دوره، نگاه ویژه به شرایط زمانی و مکانی همان دوره است. ماهیت حکومت هخامنشیان و توجه حکومت مقتدر مرکزی به ساختن بناهای باشکوه شاهنشاهی را ضروری می‌کرد. این نکته در ارتباط با دوره ساسانی نیز با همان ساختار سیاسی و نوع حکومت، ضرورتی انکار ناپذیر بود (محمدی فر ۱۳۸۷: ۶۷). پهنآوری شاهنشاهی اشکانی و گوناگونی سنت‌های مردم دوره مذکور این نکته را در بر دارد که سبک به‌خصوص معماری در سراسر ایران وجود نداشته است (شکل ۱). همچنین تنوع استفاده از مواد و مصالح مختلف بومی یکی از خصوصیات اصلی معماری دوره اشکانی است، که این موضوع سبب پدید آمدن سبک‌ها و سنت‌های گوناگونی در این دوره شده است. اما باوجود این موضوع برخی بناهای این دوره دارای سبک و ویژگی معماری اشکانی هستند (کالج ۱۳۸۰: ۱۰۲).

معماران این دوره وارث سنت‌های گوناگونی همانند سنت‌های کهن آسیای مرکزی (آغاز پیشرفت در این دوره)، ویژگی معماری نواحی داخلی فلات ایران (معماری بومی ایران)، از سوی دیگر سنت‌های رایج معماری یونانی در طول حکومت سلوکیان در ایران بودند و با فتح بین‌النهرین^۱ بر این تنوع افزوده شد، و طرح و نقشه شهرهای هیپودام (شطرنجی) در بعضی شهرها به اجرا در آمد، اما ویژگی اصلی شهرسازی دوران اشکانی ساختن شهرهایی همانند نسا، مرو، تیسفون، دارابگرد و الحضر بود که شکل تقریباً دایره‌ای ساخته شده‌اند. اشکانیان با آشنایی و آگاهی به برتری شهرهای دایره‌ای که دفاع و حراست از آن آسان‌تر از طرح‌های هیپودام (مستطیل شکل) بود، این سبک شهرسازی را پذیرفتند و تا آنجا پیش رفتند که زمانی که شهرهای یونانی (پولیس‌ها و کلنی‌ها) که دارای طرح‌های مستطیل شکل بودند، به تصرف در می‌آوردند. با ایجاد و احداث حصار مدور به دور شهر، آن را به فرمی مدور تبدیل می‌کردند (سرفراز ۱۳۸۷: ۲۱۵). احتمال می‌رود اندیشه نقشه دایره‌وار از اردوگاه‌های مدور آشوری برگرفته شده باشد (کالج ۱۳۸۰: ۱۰۴).

در ساخت خانه‌ها نیز از سبک خانه‌هایی با حیاط مرکزی که پیشتر در کاوش‌های بین‌النهرین شناسایی شده بود استفاده شده است. معمولاً این خانه‌ها یک و گاهی دو طبقه بودند، مهم‌ترین بخش خانه در ضلع جنوبی حیاط واقع شده است. سقف خانه‌ها مسطح بوده و همچنین از تاق‌های ضربی نیز برای پوشش سقف اتاق‌ها استفاده می‌کردند و دسترسی به پشت بام از طریق پلکان واقع در حیاط ساخته امکان پذیر بود. که این سبک در بین‌النهرین در ساختمان‌های مسکونی آشور دیده می‌شود (کالج ۱۳۸۰: ۱۰۵).

برای ساختن بناها از مصالح آجر، خشت با ملات گچ استفاده می‌شده است. که این شیوه هنری در دوره‌های بعد نیز مورد استفاده واقع گردید. شاید یکی از مزایای این مصالح، ساخت تاق‌های عظیم است که مقدمه‌ای

برای ساختن ایوان‌ها و گنبد‌های بزرگ بوده است. معماران ساسانی این شیوه را به حد اعلای خود رساندند، و برای پوشاندن و تزئین دیوارها از آن بهره برده‌اند. از این رو بایستی ایجاد گچبری‌ها و نقاشی‌های دیواری را از ابداعات این دوره دانست (محمدی فر ۱۳۸۷: ۶۸). از آنجا که تا کنون معماری اشکانی به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته بلکه بیشتر به صورت موردی به دلیل این مهم که پارتیان نخستین بار از شرق (آسیای مرکزی) رو به توسعه و گسترش نهادند و در این کشورگشایی سنت‌های شرقی (شهرهای دایره‌ای، حیاط مرکزی، نیم ستون تزئینی، گچبری و ایوان) را با خود به دورترین نقاط غرب بردند؛ به آن پرداخته شده است (بنگرید به کتابنامه). در این مقاله مهم‌ترین شهرها و آثار معماری را از شرق به غرب امپراطوری اشکانی بررسی و مطالعه شده است.



نقشه ۱. مناطق مورد مطالعه و سرزمین‌های امپراطوری اشکانی (ویستوهوفر ۱۳۷۸ نقشه ۳ با تغییرات جزئی).

۲-۱- شهر نسا

شهر نسا یکی از مهم‌ترین محوطه‌های آغازین دوره اشکانی است. نسا امروزه در ۱۸ کیلومتری غرب عشق آباد، پایتخت ترکمنستان واقع است. نسای باستانی از دویخش نسای قدیم و نسای جدید تشکیل می‌شده است. حفاری‌های باستان‌شناسان روسی در این محوطه بسیاری از بناهای یادبود را که هریک با نقشه جداگانه ساخته شده و دارای تزئینات فراوان است، نمایان ساخته است. نسا از یک شهر سفلی (نسای قدیم) محصور وارگی (دژی) که بیرون از حصار شهر روی تپه‌ای کوچک بنا شده بود، تشکیل می‌شد. این ارگ یا دژ که طبق لوح گلی که در آن پیدا شده مهرداد کرت نام داشت و توسط مهرداد اول ساخته شده است، دیوارهای ضخیم استحکامات بین ۲۰-۲۵ متر ارتفاع و ۵ متر ضخامت داشت و با استفاده از گل ساخته شده بود که نمای آن با آجر پوشانده شده بود. ورود به ارگ از طریق پاگردهایی که در پی دیوارهای شهر قرار داشت صورت می‌گرفت (شکل ۲). باستان‌شناسان روسی در داخل ارگ (نسای قدیم) تعدادی بنای عمومی از جمله یک کاخ، بنای مربع، معبد دایره، برج-معبد و خانه مربع را کشف کردند (هرمان ۱۳۷۳: ۳۵). بنای مربع (کاخ): این بنا در سده سوم ق.م. در بخش جنوبی مجموعه ساخته شده و چندین بار تعمیر و

بازسازی شده و در سده سوم میلادی از بین رفته است. این بنا که روی مصطبه‌ای ساخته شده، تالاری بزرگ به ابعاد ۲۰×۲۰ متر با دیوارهای قطور دارد. دیوار شمالی این تالار سه ورودی و دیواره شرقی یک ورودی داشته که به وسیله آن به یک راهرو طولانی، به نام راهرو قرمز، مرتبط می‌شده است. این تالار تزئینات معماری جالبی دارد. روی هر یک از چهار دیوار دو بخش تزئینی جدا از هم، یکی در بالا و دیگری در پایین وجود دارند. روی قسمت پایینی هر دیوار تعداد شش نیم ستون خشتی با سر ستون‌های سفالی ساخته شده و این دو بخش به وسیله نواری مزین به روزت و برگ خرما از صفحات بالا جدا شده است. در تعمیرات و بازسازی‌های بعدی تزئینات دیگری به بنا افزوده شد. از جمله این تزئینات، مجسمه‌های مردانی است که شلوار گشادی به پا داشتند و شنلی روی دوش آنها بود و زن‌هایی که لباس‌های یونانی شکل داشتند. با در نظر گرفتن این مهم که آثار هنری متأثر از هنر یونانی است، اما جزئیات تزئین‌ها یادآور تزئینات موجود در باکتریا (بلخ) و توپراک قلعه خوارزم است. در سال‌های اولیه کشف این بنا تصور می‌شد که این محل آرامگاه اشک یا تیرداد است، اما مطالعات بعدی این نظریه را رد کرده است. بنا به عقیده پوکاچنکو این محل تالار بار عام بوده، در حالی که کوشلنکو معتقد است که این محل آتشکده بوده است. بر اساس این نظریه مراسم مذهبی عمومی و اولیه در این تالار انجام می‌گرفته و جای آتشدان در راهرو قرمز بوده است. کوشلنکو در کل بر این عقیده است که این مجموعه بنا یک معبد سلطنتی است که بر اساس سنت‌های پارتی و تحت نفوذ سلوکیان، پرستش و ستایش برخی از ایزدان در آن انجام می‌گرفته است (سیدسجادی ۱۳۸۳: ۲۸۹) (شکل ۲).

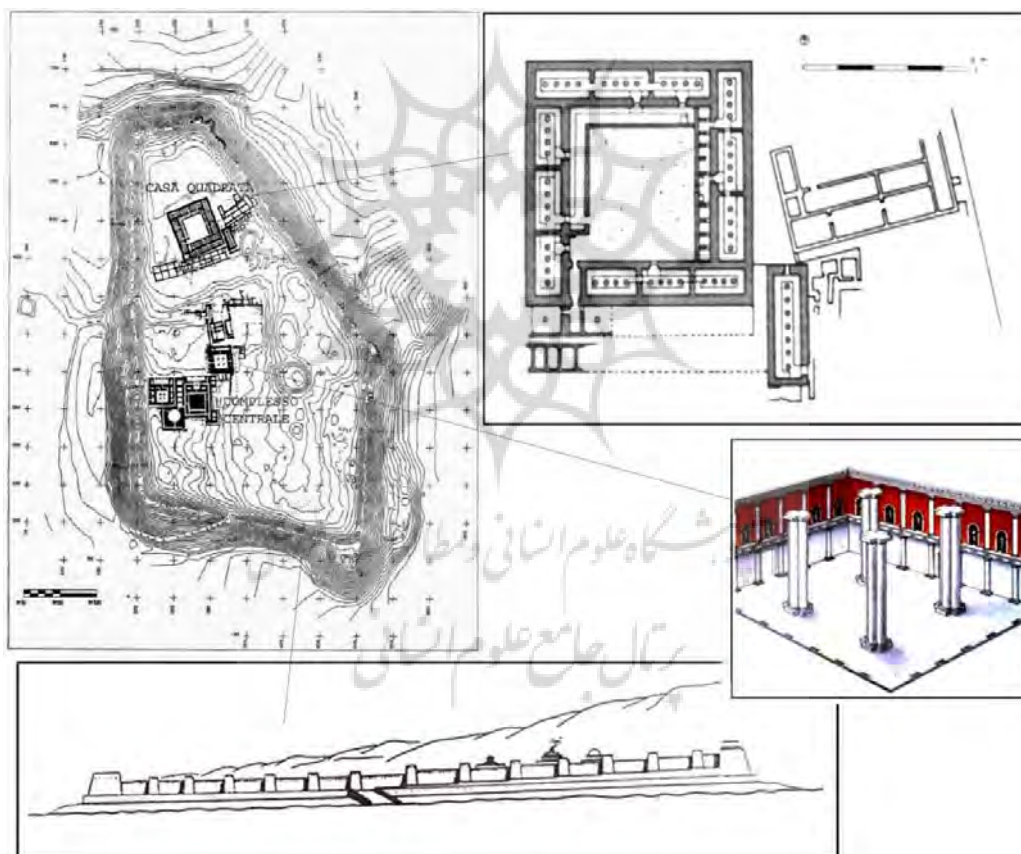
معبد دایره: ساختمان این معبد نیز از خشت و نقشه خارجی آن چهار گوش است در حالی که از درون دایره‌ای شکل ۱۷ متر قطر دارد. درون این بنا مانند بنای پیشین تزئین شده است. با توجه به قطعات شکسته مجسمه‌های پیدا شده در کف این معبد، مشخص شد که بین نیم ستون‌های تزئینی درون معبد و درون تاقچه‌های موجود در آن، مجسمه‌های که از گل رس ساخته شده بوده‌اند، قرار داشته‌اند. پوکاچنکو بر اساس شباهت نقشه این معبد و تزئینات و اشیاء پیدا شده در آن با آرسیونای ساموتراکیا، بر این تصور است که معبد دایره‌ای نسا برای ایزد بانوی ساموتراکیا یا دیو سکوری (دختر زئوس) ساخته شده است. به جز تأثیرات هنر یونانی، نکته جالب دیگر شباهت‌های این گونه نقشه دایره‌ای شکل با نقشه بنایی از سده‌های نهم و هشتم ق.م. در تاجیکستان و در کناره سیر دریا، در ساختمانی منتسب به سکاها است.

برج معبد: سومین بنای مهم نسا قدیم، بنای معروف به برج معبد است که با ساختمان چهار گوش خود بین بنای مربع و معبد دایره قرار دارد. این برج بنای عظیمی است که باستان‌شناسان ابتدا آن را با زیگورات‌های بابلی مقایسه می‌کردند، اما این مقایسه پایه و اساسی نداشت و بیشتر قابل مقایسه با بنای نور آباد فارس است.

خانه مربع: چهارمین بنای مهم نسا در بخش ساختمان‌های شمالی است. این بنای بزرگ ۶۰×۶۰ متر، از خشت ساخته شده است. در داخل این بنا یک حیاط بزرگ مرکزی به ابعاد ۳۸×۳۸ متر وجود دارد. در هر یک از اضلاع بنا ستون‌های قرار دارد. ساختمان این بنا به اواخر سده سوم و اوایل سده دوم ق.م. مربوط می‌شود. باستان‌شناسان از نظر نوع ساختمان و مصالح به کار برده شده، آنرا خزانه دانسته و کاربرد اصلی آن را انجام مراسم مذهبی و تشییع جنازه خاندان سلطنتی معرفی کرده‌اند. این بنا اتاق‌های متعددی دارد که

پس از گذاشتن اشیای مربوط به هر شاه یا شاهزاده فوت شده، در اتاق با دیوار پوشیده شده است (فرامکین ۱۳۷۲: ۲۳۲؛ ر.ک. به Invernizzi, 2000) (شکل ۲-۱-۱).

گرچه هنوز آرامگاه و مقبره شاهان اشکانی پیدا نشده احتمالاً بنای واقع در نسای قدیم، مقبره شاهزادگان و نجبا بوده است. بنای مورد بحث ساده و چهارگوش و پشت به دیوار شهر ساخته شده و سه طرف دیگر آن ستون داشته و سر ستون‌های آن از نوع ایونی نافرم، از آن نوعی که در ایران نیز رواج داشته، بوده است. داخل مقبره چندین اتاق دراز دارای تاقچه‌های مخصوص قرار دادن تابوت با کوزه‌های حاوی استخوان قرار داشت. این تاقچه‌ها بسیار شبیه آنهایی است که مدت‌ها بعد در الحضر (هاترا)، دورا اروپوس و پالمیر (تدمر) پیدا شد. عرض اتاق‌های نسا ۲ متر بود و سقف آنها را تاق‌های ساده‌ای تشکیل می‌داد (هرمان ۱۳۷۳: ۳۹). نسای قدیم تنها محوطه‌ای است که آثار معماری، هنری و سکه‌های پارسی باهم در آن پیدا شده‌اند، آثار پیدا شده در نسا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند و نشانه ارتباط هنری آسیای مرکزی و فلات ایران با فرهنگ هلنیستی در دوران پس از اسکندر است (سید سجادی ۱۳۸۳: ۹۰).



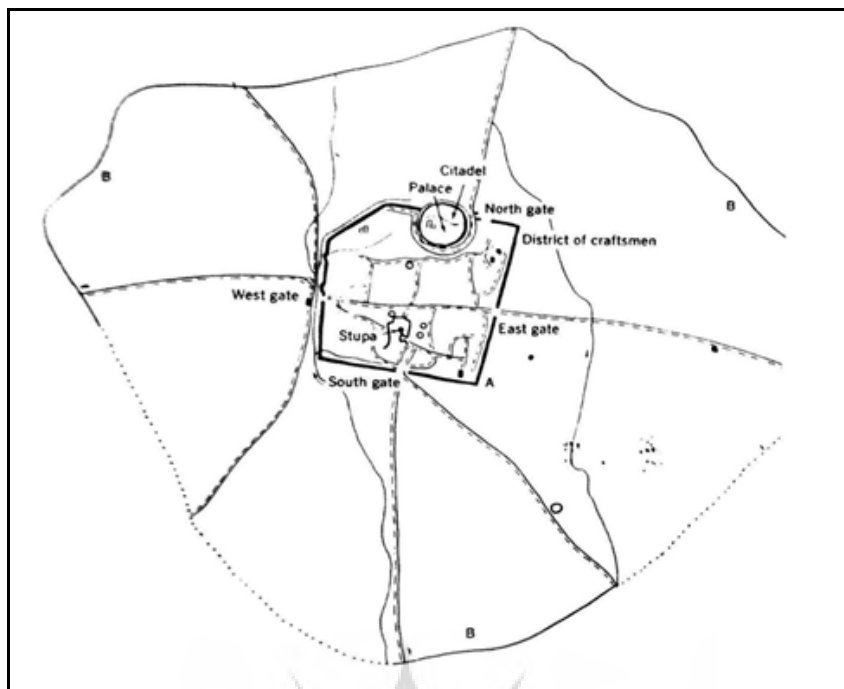
شکل ۲-۱-۱. راست و چپ بالا: نقشه بناهای حکومتی نسای قدیم، خانه مربعی؛ پایین: بازسازی دیوار شمال غربی نسای قدیم (سید سجادی ۱۳۸۳). بازسازی کاخ پارسی که در داخل دژ ساخته شده است. پیکره‌های بزرگ گلی در داخل تورفتگی‌های دیوارها قرار گرفته است (هرمان ۱۳۷۳: ۳۴).

۲-۲- مرو

مرو یکی از کهن‌ترین شهرهای جمهوری ترکمنستان است. باقی مانده‌های این شهر کهن، امروزه به شکل تپه‌ها و ویرانه‌های کاخ‌ها و کوشک‌ها، کانال‌ها و بناهای گوناگون دیگری در شمال شهر بایرام علی در استان ماری باقی مانده است. واحه مرو، در زبانه جنوبی آسیای مرکزی و در مرزهای قره قوم بین کپت داغ، بخش‌های شمالی کوه‌های البرز شرقی و رودخانه آمودریا واقع شده است (سیدسجادی ۱۳۸۳: ۱۳). این شهر در سده ششم ق.م. در قلمرو هخامنشیان شهری مهم به‌شمار می‌رفت و در کتیبه بیستون به نام مرو اشاره شده است. پس از هخامنشیان، اسکندر این منطقه را فتح کرد، اما زمان زیادی آنجا نماند و به ساخت اسکندریه مورقناعت کرد.

آنتیوخوس اول (۲۸۱-۲۶۱ ق.م.) اسکندریه مرو را بازسازی کرد و آن را به نام خود آنتیوخیا مرگیانه خواند و دیوار طولانی و عظیمی را برای دفاع در برابر بیابان گردان آسیای مرکزی به دور شهر کشید، از شهرهای مهم دوره اشکانی است و آن را در زمان مهرداد اول تصرف کردند. مرو باستان در قلب مرگیانه و واحه واقع شده است. این شهر در طول تاریخ طولانی خود بارها جابجا شده است، ارگ قلعه، گیورقلعه، سلطان قلعه، قلعه عبدالله خان، قلعه بایرام علی خان و شهر کنونی ماری در ۳۰ کیلومتری شهر باستانی مرو نشان دهنده گسترش افقی این شهر در دوران مختلف تاریخ بوده است.

قدیمی‌ترین بخش شهر جایی است که ارگ قلعه خوانده می‌شود و ساختمان آن به سده‌های ششم و پنجم ق.م. می‌رسد. در دوران هخامنشی وسعت شهر به ۲۰ هکتار می‌رسید و با یک دیوار دفاعی از خشت خام محصور بود که اکنون ۲۵ متر از ارتفاع آن و از دیگر بخش‌های مرو در این دوران شامل شهر و کاخ، فرمانداری، روی یک مصطبه باقی مانده است این دوران تاریخ مرو با وقایع سال ۵۲۲ ق.م. و شورش فردای مروی علیه داریوش مرتبط است. پس از دوران هخامنشی مرو در اختیار اسکندر و جانشینان وی قرار گرفت و آنتیوخوس اول، دیوار معروف آنتیوخوس را به طول حدود ۲۵۰ کیلومتر در اطراف واحه مرو بنا کرد و شهر را آنتیوخیا نامید. مرو در دوره اشکانی به بزرگترین شهر منطقه تبدیل شد و به بالاترین دوران اوج و شکوفایی خود رسید. در این دوره بخش مسکونی شهر پارتی فقط به قلعه گبری محدود نبوده، بلکه وسیع‌تر شده و مناطقی چون گیلیاکین و چهل برج را نیز در بر می‌گرفت (سیدسجادی ۱۳۸۳: ۱۴۵). در زمان پارتیان، مرو یکی از مراکز مهم پارچه بافی و سفالگری بود و به همین علت شهر به مرکز تجاری مهم تبدیل شد. بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی اهمیت مرو را در تولیدات صنعتی نشان می‌دهد. در گیور قلعه کارگاه‌های صنعتی در محل‌های خصوصی متمرکز بوده‌اند یکی از محله‌های مهم مرو در این دوران محله آسیاب‌ها در بخش شمالی شهر بوده است که در آن آثار ده بنای بسیار نزدیک به هم کشف شده، که چهل اتاق برای انبار غلات داشته‌اند. در این محله تعداد زیادی پیکره گلی که بیشتر به زنان مرتبطند، به‌دست آمده است. از دیگر محله‌های مرو می‌توان به محله فلزگران و سفالگران اشاره کرد. دژ عظیم ارگ قلعه احتمالاً در سده دوم ق.م. بنا نهاده شده است. بنا بر روایات تاریخی پس از جنگ معروف حران (کاره) برخی از زندانیان رومی بنای آنرا بازسازی کردند. اشکانیان با توجه به اهمیت سیاسی و اقتصادی شهر مرو آنرا دایره‌ای شکل بنا نهادند که این دیوار (دیوار شهر) کمربند دفاعی شهر به شمار می‌رفت (گیرشمن ۱۳۹۰: ۳۴) (شکل ۲-۲-۱).



شکل ۲-۲-۱. نقشه حصار دایره‌ای بر اطراف شهر مرو در دوره پارتیان (کوشلنکو و پیلیپکو ۱۳۷۵: شکل ۴).

۲-۳- ای خانوم

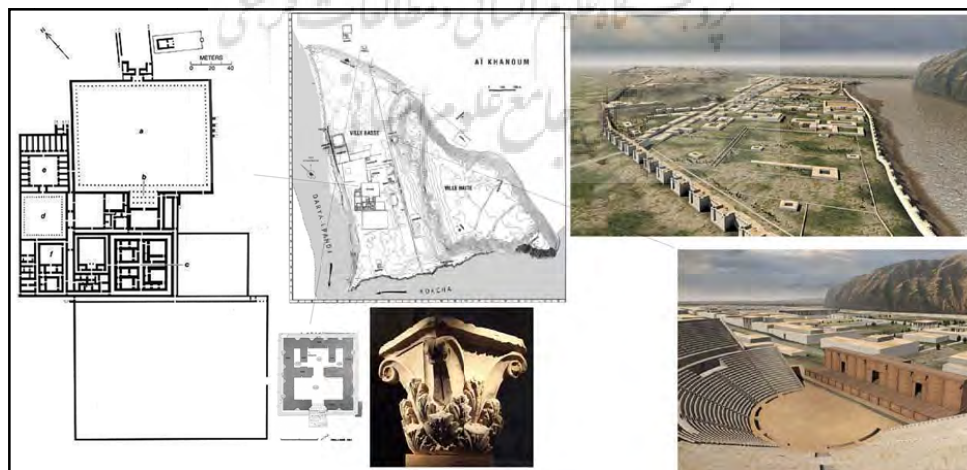
در شمال شرقی افغانستان و در استان طالقان امروزی و در سرحدات شرقی باکتریا (باختر) واقع است. ای خانوم نام روستای کوچکی است که در نزدیکی مجموعه آثار باستانی واقع است. واژه‌ای خانم به معنای ماه خانم است (برنارد ۱۰۳: ۱۳۷۵). در سال ۱۹۶۴ کاوش درای خانوم به سرپرستی پاول برنارد آغاز شد، دانیل اشلمبرژه در اوایل دهه ۱۹۶۰ از این محل دیدن کرد و معتقد است درای خانم بقایای یک شهر بزرگ یونانی است، که احتمالاً به دست اسکندر بنا نهاده شده است. اما هنوز مدارکی که درستی این نظریه پیدا نشده، گرچه برنارد عقیده دارد که این شهر را باید اسکندریه آراخوسیا (قندهار) دانست (هرمان ۳۲: ۱۳۷۳). شهر ای خانوم در محلی که به خوبی قابل دفاع بود قرار داشت. دو طرف شهر را که تقریباً به شکل مثلث است رودخانه سیحون ورود کوچک که به آن ملحق می‌شود گرفته، در حالی که ضلع سوم را که طولانی است بارویی قطور حفاظت می‌کند. این شهر به شیوه متداول یونانی از یک پاستیون یا ارگ مرکزی که روی صفه‌ای سنگی ساخته شده و قسمت‌های سفلی شهر توسط یک خیابان شمالی - جنوبی که از ارگ آغاز می‌گردد و شهر را به دو بخش تقسیم می‌کند، تشکیل شده است. کاوش‌ها بر قسمت‌های سفلی شهر متمرکز بوده است. از جمله این بناها ورزشگاه، یک معبد، یک حرم یا مقبره بزرگ که احتمالاً متعلق به فرماندار شهر بوده است و مجموعه بزرگی از بناها معروف به بخش اداری در این قسمت یافت شده‌اند (هرمان ۱۳۷۳: ۳۲) (شکل ۲-۳-۱).

در اینجا به نظر می‌رسد یونانیان مدلی برای ساختن کاخ‌های خود نداشته‌اند و در طرح و نقشه کاخ‌های خود از کاخ‌های بابل جدید و هخامنشی که برای اولین بار آنها را دیده بودند، الهام گرفتند. کاخ ای خانم مانند کاخ هخامنشی شوش، از چندین حیاط وسیع و بزرگ، ساختمان‌هایی برای کارکنان رسمی، بناهای مسکونی

و تأسیسات اقتصادی تشکیل شده است. اندازه بسیار بزرگ حیاط اصلی ۱۳۷×۱۰۸ متر که ورودی آن در سمت شمال قرار داشت ردیف ستون‌هایی با سر ستون‌های کرنتین که رواق‌های چهار سمت آنرا تشکیل می‌دهد، جلب توجه می‌کند. در پشت رواق جنوبی یک هشتی با سه ردیف ستون (۶ تایی) (تالار روباز) که سر ستون‌های کرنتین دارند (برنارد ۱۳۷۵: ۱۳۱-۱۳۰) که نسبتاً بلند و دارای رنگ آمیزی تزئینی هستند (هرمان ۱۳۷۳: ۳۲)، تالار روباز به تالار بزرگ که ابعاد آن ۱۷/۵×۲۶ متر است منتهی می‌شد، برخلاف تالار روباز که سه ردیف ۶ تایی ستون داشت در این اتاق ستونی پیدا نشده و الوارهای زغال شده سقف که در کف اتاق یافت شده نسبتاً باریک است و ضخامت آنها بیش از ۲۰ سانتی‌متر نیست و از آنجا که اثری از تاق زنی هم دیده نمی‌شود، هنوز معمای نوع پوشش سقف حل نشده است. دیوارهای تالار بزرگ با نیم ستون‌های شیار دار تزئین شده بود و سطوح گچکاری شده را با طرح‌های هندسی و استفاده از رنگ‌های سیاه، سفید، زرد و قرمز به طرز شاد رنگ آمیزی کرده بودند. در تعدادی اتاق واقع در غرب این تالار حمام‌های کاملاً مجزا قرار داشت.

بنای چهار گوش که احتمالاً بعداً ساخته شده توسط کوچه‌ای از تالار بزرگ جدا شده است. طول هر یک از جناح‌های بنا ۵۲/۶۵ متر بود و به چهار اتاق که گرد آنها دالانی قرار داشت تقسیم گردیده بود. در این قسمت تکه‌های از پیکره‌های که از گل و گچبری ساخته شده بود به دست آمده است، مهم‌ترین این پیکره‌ها شاهی سوار بر اسب در اندازه واقعی است که به سبک یونانی ساخته شده است. حفار معتقد است احتمالاً این مجموعه محل سکونت شاه یا نایب السلطنه بوده است (هرمان ۱۳۷۳: ۳۳) (شکل ۲-۳-۱).

یکی دیگر از بناهای ای خانم که مشخصه فضا سازی شهری یونانی است، یعنی فواره، دارای لوله‌های تزئین حجاری شده هستند که آب آن از طریق چشمه‌های زیر زمینی واقع در پای باروی ساخته شده در ساحل رودخانه آمودریا تأمین می‌شده است. زراد خانه‌ای خانوم در کنار خیابان اصلی شهر و در کنار ارگ شهر واقع است. اموات در خارج از دیوار شهر دفن می‌شدند و هر خانواده آرامگاهی داشته که در آن چندین دهلیز کوچک در دو طرف یک راهرو میانی ساخته شده بود. ساختمان آرامگاه‌ها خشتی و پلان آنها مستطیل شکل است که این نوع معماری ویژه منطقه آسیای مرکزی است (برنارد ۱۳۷۵: ۱۳۴).



شکل ۳-۱. نقشه‌ای خانوم: A. ساختمان‌های کاخ؛ B. ورزشگاه؛ C. تئاتر؛ D. زرادخانه؛ E. ویلای مجلل، F. ارگ واقع در قسمت مرتفع؛ G. سکوی معبد؛ H. معبد در جاده اصلی؛ I. معبد دروازه شمالی (ویستوهوفر ۱۳۷۸ شکل ۵)، کاخ‌ای خانم (برنارد ۱۳۷۵ شکل ۴)، پلان معبد کنگره دار (Bernard, 1971: fig. 17)، سر ستون کرنتین، بازسازی شهر و ورزشگاه‌ای خانم (Lauriann, 2014).

۲-۴- سرخ کتل

سرخ کتل در دره کهندهژ-آب در کرانه شعبه اصلی جیحون در افغانستان، نزدیک به راه کابل به مزار شریف قرار دارد (رایس ۱۳۶: ۱۳۷۲). این محل در نتیجه فعالیت‌های که در سال‌های دهه ۱۹۵۰ م. به منظور تعریض جاده صورت گرفت کشف شد. پرفسور دانیل اشلومبرژه رئیس هیات فرانسوی در افغانستان در این محوطه ۲ مجتمع مذهبی کشف کرد. یکی مقبره اصلی بر نوک تپه‌ای شیب‌دار و دیگری مقبره کوچکتر که در کف دره واقع شده بود (هرمان ۱۳۷۳: ۸۶).

این مجموعه‌ها توسط دو ردیف خط دفاعی (حصار) که دور آن قرار داشت محصور شده بود (تالبوت رایس ۱۳۷۲: ۱۳۶). دیوارهای این حصار به وسیله برج‌های حراست می‌شدند. این معبد در زمان کانیشکا و به وسیله یکی از افسران او بنام کونروکو ساخته شده است. معبد چهار ستونی که سکوی قربانی (مذبح) در آن واقع شده است، از سه طرف راهرو دارد با گذشت زمان ویژگی‌های معماری بلخی خود را گرفت که عبارت است از: تالاری مربع محاط به راهروهایی که به گذرگاه‌هایی تقسیم می‌شدند. در این بنا از مجسمه‌ها و دیوار نگاره‌ها، برای تزئین ایوان‌ها، تالار اصلی و معبد استفاده شده است (محمدی فر ۱۳۸۷: ۸۵) (شکل ۲-۵-۱ راست).

در میان اشیای یافت شده پنج پیکره سنگی علاوه بر قطعات پیکره‌های گچی، قطعات بنا و مقداری سنگ نبشته قرار داشت. یکی از سنگ نبشته‌ها نشان می‌داد که مقبره توسط کانیشکا بنیاد نهاده شده بود و احتمالاً مجسمه شکسته پادشاه کوشانی که در محل پیدا شده پیکره خود اوست (هرمان ۱۳۷۳: ۸۶). دانیل اشلومبرژه سرخ کتل را محوطه‌ای یونانی-باکتریایی و یونانی-پارتی معرفی کرده است (گیرشمن ۱۳۷۰: ۵۴). در حالی که جرجینا هرمان ضمن تفکیک مکتب مجسمه‌سازی قندهار و متورا، مجسمه کانیشکا را نمونه‌ای از سبک متورا و پیرو مکتب هندی متورا معرفی می‌کند که به‌شدت متأثر از سنن هندی است (هرمان ۱۳۷۳: ۸۶) (شکل ۲-۵-۱ راست).

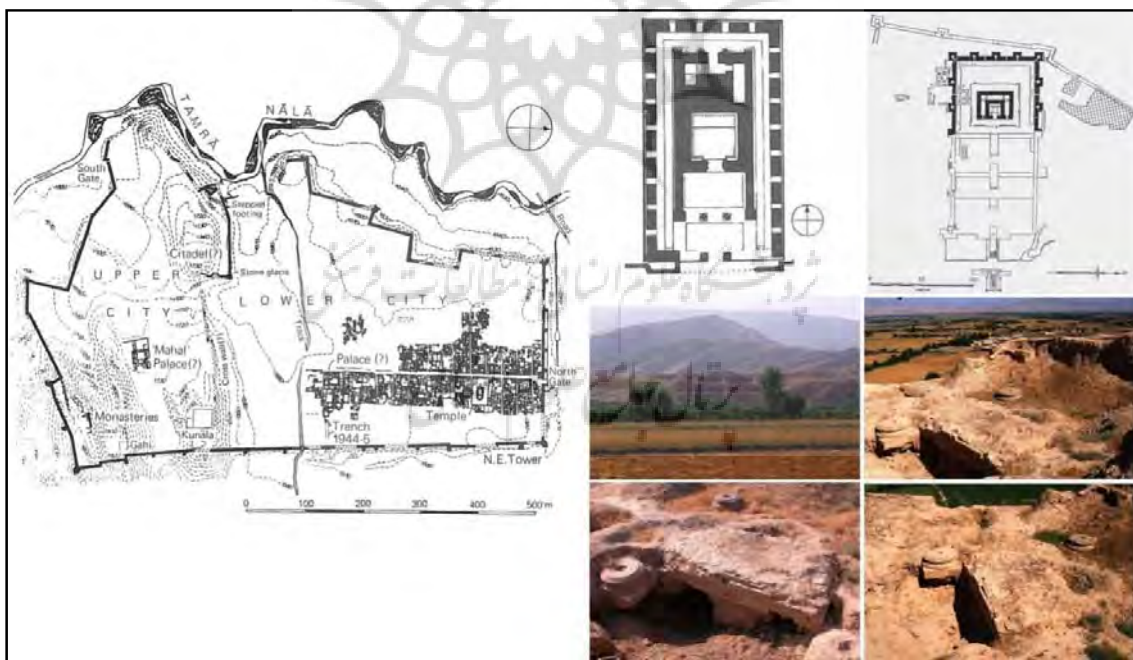
۲-۵- تاکسیلا

خرابه‌های تاکسیلا در ۳۰ کیلومتری شمال شرق اسلام آباد پایتخت پاکستان و در ۱۵ کیلومتری شمال شرق زادل در دامنه کوهستان هزاره واقع است. این محل اکنون اتوک نامیده می‌شود این محل در سده ششم و هفتم ق.م. بنا شده براساس افسانه‌ها بنای این شهر را به برادرزاده راما نسبت می‌دهند. برخی نیز ساخت این شهر را به‌دستور کندوفر، ساتراپ پارتی سیستان، می‌دانند. اولین بخش شهر روی یک تپه مشرف بر رودخانه تامارا-نالالا (Tamara-Nala) ساخته شده و دو بخش دیگر عبارتند از سیرکاب، شهر یونانی-پارتی و سومین بخش سیر سرخ که احتمالاً بقایای تمدن کوشانی بوده است (بهزادی ۱۳۷۳: ۷۱).

در سال ۱۹۱۳ سرجان مارشال (Sir John Marshall) نخستین حفاری‌ها را در این محل انجام داد و بقایای را متعلق به همه دوره‌های تاریخی آن را به‌دست آورد. سه لایه از پایین به بالا به ترتیب توسط حفار شناسایی شد؛ اول: آثار سلسله محلی موریاس (Mauryas) که روی خاک بکر قرار داشت. دوم: بر بالای این یک لایه یونانی - رومی که مربوط به سده اول پیش از میلاد تا سده اول میلادی بود. سوم: بقایای دوره کوشانیان سطوح فوقانی را پوشانده بود.

اشیاء یونانی شامل سکه‌ها و تندیس‌ها می‌شد، که سر دیونیسوس (Dionysus) یکی از آنها بود. در آن زمان این شهرک بنا بر نقشه و طرح مستطیل شکل که از ویژگی‌های معماری یونانی بود ساخته شده بود. در روزگار گندولوفوس تغییرات اساسی در آن راه یافت و کوچه‌های پیچ در پیچ جایگزین کوچه‌های مستقیم پیشین شد.

در این محل آثار معماری متعددی کاوش شد که شامل قصر که تاریخ بنای آنرا به سکاها نسبت می‌دهند و گفته می‌شود که بر اساس طرح آشوری ساخته شده است. پرستشگاه و معبدی به سبک ایونی که دارای طرحی مربع شکل بود که به آتشکده ایرانی شباهت دارد و احتمالاً به همین منظور ساخته شده بود (شکل ۲-۵-۱ چپ) و ویرانه‌های چندین معبد بودایی از دوره کوشانیان نیز یافت شد (رایس ۱۳۷۲: ۱۳۹). همچنین در تاکسیلا، تعدادی بنای مسکونی کاوش شده است، نقشه این منازل مسکونی با نقشه یونانی و مرکب از اتاق‌هایی در اطراف یک حیاط مرکزی به شیوه معمول منطقه مدیترانه و آسیای غربی هستند (برنارد ۱۳۷۵: ۱۳۵). هم در دوره پارتیان و هم در دوره کوشانیان نخستین بناها را از لاشه سنگ می‌ساختند، هرچند در آنها شیوه‌های متفاوت به کار می‌بردند. از سده سوم میلادی به بعد، ردیف‌های از قطعات سنگ‌های ساختمانی را به‌طور متناوب با لایه‌های از لاشه سنگ (قلوه سنگ) به کار می‌بردند، و بعد از آن دیوار را با گچ به رنگ‌های مختلف‌اندود می‌کردند (رایس ۱۳۷۲: ۱۳۹). همچنین در تاکسیلا تعدادی بنای مسکونی کاوش شده است. نقشه این منازل مسکونی با نقشه یونانی و مرکب از اتاق‌هایی در اطراف یک حیاط مرکزی به شیوه معمول منطقه مدیترانه و آسیای غربی است (برنارد ۱۳۷۵: ۱۳۵).



شکل ۲-۵-۱: راست پلان بنای مقدس سرخ کتل (Feroози, 2004: fig. 51); وسط: پلان پرستشگاه چندیال تاکسیلا؛ پلان (تاکسیلا) تپه سیرکاپ پاکستان با خیابان‌های شطرنجی ۵۰ پ.م- ۱۵۰ میلادی (Colledge, 1987: fig. 9, 11); تصویر راست بالا: حفاری‌های قاچاق در معبد A سرخ کتل؛ تصویر چپ بالا محوطه و صغه سرخ کتل؛ تصویر راست پائین: وضعیت کنونی معبد A؛ تصویر چپ پائین: وضعیت کنونی آتشفشان معبد سرخ کتل (Feroози, 2004: fig. 52-55).

۲-۶- هکاتوم پولیس (قوس یا صد دروازه)

بقایای بناهای پارسی که کاربری مقبره‌ای و مذهبی داشتند؛ اخیراً در محل شهر قوس در نزدیکی دامغان پیدا شده است. جان‌هانسن این محل را شهر گمشده سلوکی - پارسی صد دروازه که پارت‌ها آن را در ربع آخر قرن سوم ق.م. به صورت یکی از پایتخت‌های خود در آوردند، می‌داند. شهر که در دشتی واقع در دامنه جنوبی کوه‌های البرز واقع شده، احتمالاً پایتخت زمستانی بوده، ولی در تابستان دربار به شهرهای خنک‌تر واقع در سرزمین مادری پارت‌ها منتقل می‌شده است. تاریخ بناهای پارسی شهر قوس به اوایل دوره پارت می‌رسد. زیرا در قرن اول ق.م. استفاده از این شهر به عنوان پایتخت متوقف شد و به احتمال تیسفون که غربی‌تر بود جایگزین آن گردید (هرمان ۱۳۷۳: ۳۹).

حفاری در قوس را در چهار فصل در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۷۱، ۱۹۷۶، ۱۹۷۸ م. از طرف مؤسسه باستان‌شناسی بریتانیا به سرپرستی هانسن و استروناخ انجام شد. به علت وسعت زیاد محوطه، پراکندگی سفال‌ها در سطحی گسترده، کاوشگران محوطه را به چهار قسمت $D \cdot C \cdot B \cdot A$ تقسیم کردند. طول تقریبی این محوطه ۵ کیلومتر و عرض آن ۲ کیلومتر است. منطقه A متعلق به عصر آهن و دوره هخامنشی، منطقه B متعلق به دوره اشکانی، محوطه C از دوره ساسانی و محوطه D دوره اسلامی تاریخ‌گذاری شده است (ورث ۱۳۶۶: ۳۳۱). قوس محوطه بزرگی است به علت فرسایش عوامل طبیعی (باد و باران) امروزه فقط مهم‌ترین بناهای آن دست نخورده باقی مانده است و بقیه قسمت‌های آن کاملاً از بین رفته است (هرمان ۱۳۷۳: ۳۹).

با انجام مطالعات باستان‌شناسی در این محل، سه بنای مهم متعلق به دوران اشکانی مشخص شد. نکته قابل توجه اینکه این بناها تا حدودی سالم مانده‌اند و تقریباً نقشه واحدی دارند، پلان این بناها به صورت چهارگوش با یک پیشرفتگی در مرکز هر ضلع است، به نحوی که پلان کلی تداعی کننده صلیبی با بازوی کوتاه است. در دو بنا از سه بنای کشف شده اتاقی به شکل L دیده می‌شود. این در حالیست که بنای سوم اتاق‌های مربع یا چهار گوش دارد. اتاق‌ها عرض زیادی ندارند، بنابر این سقف با استفاده از نوعی تاق پلکانی با قوس‌های مدور نوک تیز ایجاد شده است. در قوس سه نوع تاق زنی استفاده شده است، تاق ضربی ساده، تاق سه گوش یا کله، تاق سه گوش پلکانی، که تاق پلکانی در زیر یا روی راه پله یا پاگرد استفاده می‌شده و تمام این تاق‌ها با استفاده از نوعی آجر خاص قالب زده و انحنای دار ساخته شده‌اند. ابعاد این آجرها $۱۸ \times ۱۸ \times ۸۸$ سانتی‌متر است، این در حالی است که آجرهای استاندارد این دوران $۱۰ \times ۳۸ \times ۴۰$ سانتی‌متر ضخامت داشتند. از این مصالح در دوره ماد در تپه نوشیجان و در دوره هخامنشی در تخت جمشید استفاده شده است (هرمان ۱۳۷۳: ۴۰) (شکل ۲-۶-۱).

۲-۷- کوه خواجه سیستان

در حاشیه دریاچه هامون، کوهی دوزنقه‌ای شکل در دشتی وسیع وجود دارد که تنها کوه صخره‌ای دشت سیستان است. کوه خواجه عبدالله که کوهی آتشفشانی است و در جریان زمین ساختاری تکتونیک، در دوران سوم زمین‌شناسی شکل گرفته است. ارتفاع این کوه از سطح دشت ۹۰ متر است و هنگام بالا آمدن آب‌هامون به صورت جزیره خودنمایی می‌کند. تنها راه دسترسی در این مواقع استفاده از قایق است. کوه

خواجه در فاصله ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهر زابل و هجده کیلومتری شاهراه زابل به زاهدان واقع شده است (شکل ۲-۷-۱).



شکل ۲-۶-۱. جزئیات تاق‌های پلکانی با قوس‌های مدور در محوطه IV (چپ) و (VI (راست) (هرمان ۱۳۷۳: ۳۷).

اولین مطالعات کوه خواجه را، که بیشتر زمین‌شناختی بود تا باستان‌شناختی، در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی توسط هیاتی انگلیسی به سرپرستی گلد اسمیت انجام گردید و در سال ۱۹۱۰م. آنرا منتشر کرد. ابتدا سر اورل استین در سال ۱۹۱۵م. قلعه مرکزی را نقشه‌برداری کرد و همچنین از نقاشی‌های دیواری عکس گرفت، بخشی را با خود به موزه ملی دهلی نو برد (Stein, 1940). ارنست هرتسفلد در سال ۱۹۲۵م. این محوطه را بررسی کرده و چهار سال بعد همراه با هیأت خود قلعه مرکزی را نقشه‌برداری نموده و راهرو و دالان جنوبی آتشفشان را پاکسازی کرد و نقاشی‌های دیواری را به برلین منتقل کرد (Herzfeld, 1941). بعد از آنها هیات ایتالیایی در سال ۱۹۶۱م. (Gullini, 1964) و هیات ایرانی در سال ۱۳۷۴ه. در این محوطه کار کردند (موسوی ۱۳۷۴). به‌طور کلی بقایای معماری کوه خواجه از چند واحد معماری تشکیل شده که عبارتند از: کک کهزاد، قلعه چهل دختران، بقعه خواجه عبدالله، دژ مرکزی و غیره.

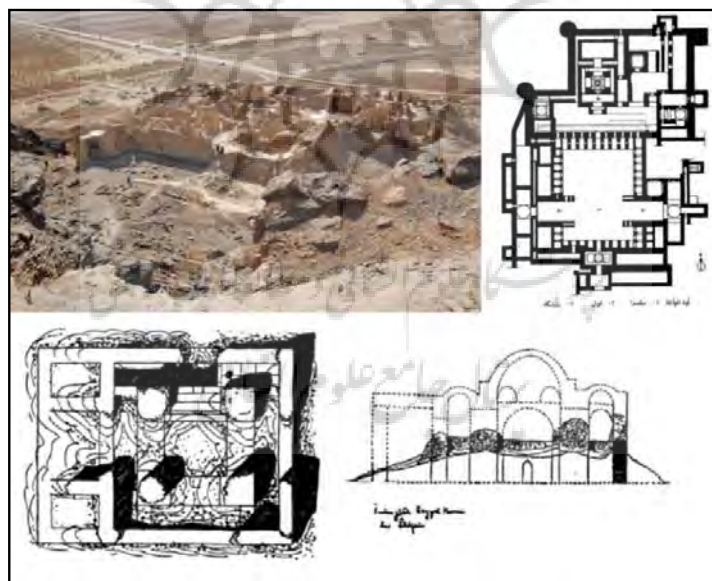
کک کهزاد: در مرتفع‌ترین نقطه کوه بقایای دژی است که اهالی آنرا قلعه کک کهزاد نامند. این دژ نیز همچون دژ مرکزی (قلعه سام) با خشت ساخته شده است و به نظر می‌رسد هم دوره آن است. این قلعه حیاط مرکزی ندارد و دارای اتاق‌های بزرگ و فضای جنبی است که احتمالاً مقر فرمانروا بوده و جنبه کهن‌دژ داشته است. قلعه چهل دختران: در جنوب غربی کوه بقایای ساخت و سازی هست که از یک حیاط مرکزی با دو دروازه، اتاق و رواق‌های جانبی و برج و بارو تشکیل شده است. تعداد باروها هشت عدد است که در ساخت آنها از خشت و در پی سازی‌هاشان گاهی از سنگ استفاده شده است. با توجه به موقعیت و کاربری این محل می‌توان آنرا یک دژ دفاعی تصور کرد.

بقعه خواجه عبدالله: چهار دیواری ساده و محقری است که با سنگ و گل ساخته شده و همچنین تعدادی گور در سطح فوقانی تپه به چشم می‌خورد که احتمالاً متعلق به دوره اسلامی است.

دژ مرکزی: که در محل آنرا قلعه کافران و عده‌ای از محققان آنرا گاگاشهر (چغاشهر) نامیده‌اند و همچنین در برخی گزارش‌ها از آن به نام قلعه سام یاد کرده‌اند. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اثر کوه خواجه همین بخش است. که حیاط مرکزی، اتاق‌ها، رواق‌های جانبی و آتشفشان را در بر می‌گیرد. آثار موجود روی بنای مرکزی،

به نام کوه خواجه یاد می‌شود. این بنا حصاری دارد که بیشتر بخش‌های آن از بین رفته و روی تراسی ساخته شده است، ورودی این مجموعه از سمت جنوب شامل سردر تاق‌داری است که در پشت آن اتاق مستطیل شکلی قرار دارد. در دو طرف این اتاق سکوه‌های خشتی به‌منظور نشستن ساخته شده‌اند. این اتاق با راهرویی طویل به اتاق مستطیل شکل گنبد داری وصل می‌شود. این گنبد از بین رفته و فقط بخش‌هایی از ساقه گنبد باقی مانده است. هرتسفلد این بخش را دروازه جنوبی نامیده است.

حیاط مرکزی: این بخش از بنا ۲۰×۳۰ متر است که در اضلاع شرقی و غربی آن دو ایوان با طاق ضربی ساخته شده است. در انتهای هر یک از ایوان‌ها درگاه نسبتاً بزرگی دیده می‌شود که به اتاق‌های در انتهای هر دو ایوان منتهی می‌شود. در اطراف این دو ایوان تعدادی اتاق ساخته شده که به شدت تخریب شده‌اند. اتاق‌های جانب شمالی حیاط مرکزی در وضعیت بهتری باقی مانده‌اند و دو طبقه‌اند. در مرکز ضلع شمالی حیاط یک رشته پلکان با یک راهرو، حیاط را به اتاقی مستطیل شکل به طول ۴۰ متر و عرض حدود ۲ متر ارتباط می‌دهد. در این اتاق نقاشی‌های دیواری وجود دارند. این محل گالری نامیده می‌شود. در شمال شرقی گالری پلکانی سنگی تعبیه شده است که این بخش را به بخش آتشکده متصل می‌کند. در این محل آتشکده و واحدهای اطراف آن ساخته شده‌اند. آتشکده به شکل چهار تاقی گنبد دار است که دالان طواف دارد. در ضلع شمالی آتشکده اتاق دیگری وجود دارد که به آتشکده مرتبط است. در گوشه شمال شرقی بنا، دروازه کوچک دیگری وجود دارد که هرتسفلد آنرا دروازه شمالی نامگذاری کرده است (Herzfeld, 1941: 302)، کاربری این بخش هنوز معلوم نیست عده‌ای محققین آنرا کاخ وعده دیگر آنرا معبد می‌دانند (شکل ۲-۷-۱).



شکل ۲-۷-۱. بالا راست و چپ: پلان و تصویر بناهای مرکزی معماری کوه خواجه؛ پائین چپ و راست: پلان و بازسازی نمای معبد (Herzfeld, 1941: Fig. 398 و <http://www.iranatlas.info/parth/khaje.htm>).

۲-۸- قلعه سام

محوطه قلعه سام در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی زابل در بخش شیب آب و در نزدیکی روستای سه کوهه واقع است. این محوطه در سال ۱۹۶۶ و ۱۹۷۳ م. توسط شرایتو حفاری و کاوش شد. قلعه سام بنایی خشتی با

پلان تقریباً چهارگوش است که دروازه شهر دارای دو برج برای محافظت بوده است. با توجه به مدارک موجود، تاریخ تقریبی این محوطه به اواخر سده سوم ق.م. می‌رسد و از لایه ۷ قلعه سام یک سفال نوشته (استروکا) به خط یونانی به‌دست آمده که احتمالاً متعلق به نیمه سده سوم ق.م. است (هرینک ۱۳۷۶: ۲۳۰).

۲-۹- خوره

خوره جزو استان مرکزی و یکی از بخش‌های شهرستان محلات است (رهبر ۱۳۸۲: ۷). محققان و پژوهشگران فراوانی از مجموعه بناهای خوره دیدن کرده‌اند، اما این محوطه اولین بار در سال ۱۳۳۵ ه.ش. توسط علی حاکمی مورد کاوش قرار گرفت و سپس در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ ه.ش. به سرپرستی مهدی رهبر مجدداً کاوش و حفاری گردید (همان ۱۳۸۲: ۳۹).

علی حاکمی مجموعه بناهای به‌دست آمده را در طی کاوش ۱۳۳۵ ه.ش. از حیث پیوندهای ساختاری میان آنها به سه بخش تقسیم کرده‌اند؛ ۱. بنای اصلی یا ساختار قسمت جنوبی مشتمل بر ایوان ستوندار و تعدادی اتاق و یک حیاط؛ ۲. ساختار بخش شمالی که با بنای اصلی ارتباط داشته، خود شامل اتاق‌ها و راهروها و حیاط خلوت است؛ ۳. بخش غربی شامل تعدادی اتاق و یک تالار و راهرو است (رهبر ۱۳۸۲: ۵۳).

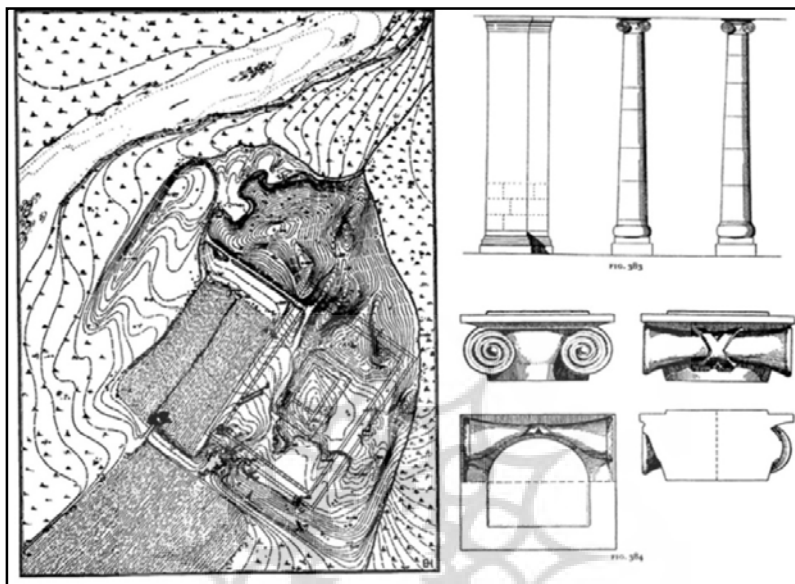
در مورد این محوطه و کاربری آن و همچنین سبک معماری آن بین باستان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. در اینجا به مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود. ارنست هرتسفلد مجموعه بناهای خوره را یک معبد خدای دیونیسوس (خدای شراب) معرفی می‌کند. که این معبد به ابعاد $۲۴/۵ \times ۱۶/۵$ متر است و در وسط حیاطی که در اطراف آن ستوندار بوده قرار داشته است. این حیاط $۵۵ \times ۳۷/۵$ متر بوده و در طول آن ۲۳ ستون و در عرض آن ۱۶ ستون داشته و همچنین اطراف خود معبد ستوندار بوده که در قسمت طولی ۹ ستون و در عرض ۶ ستون داشته و دو ستون باقی مانده در خوره را مربوط به پرونائوس دانسته است (Hertzfeld, 1941: 382) (شکل ۲-۹-۱).

این ستون‌ها که پایه آنها به سبک شرقی و بسیار برآمده است و نسبت قطر پایه به بلندی ستون به ۱:۱۱ است. این ستون‌ها از نوع بومی شبه ایونی هستند یعنی گونه‌ای از سر ستون‌های آسیایی که مدت‌ها پیش از آنکه یونانیان سر ستون ایونی را ابداع کنند، در آسیا (ایران) رایج بوده است (کالج ۱۳۸۰: ۱۱۱). همچنین پل برنارد حفارای خانوم ستون‌های خوره را دارای سبک یونانی-پارتی معرفی کرده است (رهبر ۱۳۸۲: ۴۲). برخی دیگر مانند گیرشمن که از این معبد و ستون‌های آن دیدن کرده، معتقد است که این سرستون‌ها کاملاً ایرانی هستند و ریشه در سنت‌های ایران دارند (گیرشمن ۱۳۷۹: ۲۷۴) (شکل ۲-۹-۱).

۲-۱۰- شمی

در شمی که دره‌ای دور افتاده در سلسله کوه‌های زاگرس و ۲۵ کیلومتری شمال ایذه واقع است، بقایای بنایی چهارگوش به‌دست آمد که ۲۴×۱۲ متر است و احتمالاً بخشی از آن سقفی جز آسمان نداشته زیرا نشانه‌های سقف تنها در نزدیکی دیوارها پیدا شده است. به نظر می‌رسد ساکنان قبل از ترک پرستشگاه آن را سوزانده و کاملاً ویران کرده بودند. اشتین در میان خرابه‌های بنا تعدادی پایه سنگی دارای بندگاه‌های گود نشسته پیدا کرد که ظاهراً برای جای دادن پاهای تندیس‌هایی که در داخل حرم در معرض نمایش بود ایجاد

شده بود. تعداد زیادی پیکره برنزی و مرمری شکسته و همچنین پیکره برنزی شاهزاده پارتی در اندازه واقعی که ۲ متر بلندی و ۶۶ سانتی متر عرض دارد، به دست آمد. در پایین پرستشگاه گورستان پارتی وجود داشت که در داخل بعضی از قبور آن اشیاء تزئینی ساخته شده از صدف و صدف سوراخدار کشف شد (Stein, 1940: 129-136). تاریخ ساخت این بنا معلوم نیست احتمالاً در دوره سلوکی آغاز شده و در دوره پارتی ادامه یافت. این بنا احتمالاً مربوط به اوایل پارتی است، اشلومبرژه عقیده دارد که تندیس بزرگ برنزی متعلق به پایان دوره پارتی است (هرمان ۴۲-۱۳۷۳: ۴۱).



شکل ۱-۹-۲. نقشه بناها و آثار معماری و جزئیات ستون‌ها و سرستون‌های خورهه (Herzfeld, 1941).

۱۱-۲- برد نشانده

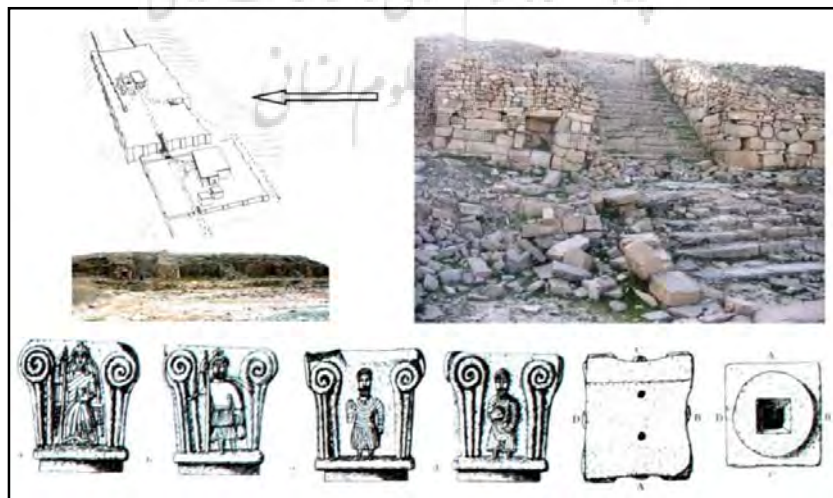
منطقه‌ای کوهستانی در شانزده کیلومتری شمال شرق مسجد سلیمان واقع است. کاوش‌های باستان‌شناسی در این محل در سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۶۶ م. به سرپرستی گیرشمن انجام شد. در ۲۰۰ متری معبد برد نشانده آثار یک قصر قدیمی و یک شهر باستانی دیده می‌شود.

بنای برد نشانده عبارت است از صفحه‌ای مستطیل شکل که از تخته سنگ‌های کوچک و بزرگ نتراشیده‌ای است که این شکل‌ها ابعاد و اشکال مختلفی دارند. صغه خشکه چین و بدون ملات ساخته شده است. نمای صغه اندکی تراش خورده است، دارای پشت‌بندهای است که در بنا سایه روشن ایجاد می‌کند. زوایای صغه با جهت‌های اصلی منطبق است و از شرق به کوه تکیه دارد. طول صغه ۱۵۷/۲۰ و عرض آن ۷۲ متر است. صغه به دوبخش فوقانی II, I و تحتانی III تقسیم شده و در سه مرحله توسعه یافته است. در مرحله اول دو رشته پلکان در ضلع شمال‌غربی و زاویه شمالی ضلع شمال‌شرقی و در مرحله دوم دو رشته پلکان در ضلع جنوب‌غربی و شمال‌غربی و در مرحله سوم یک رشته پلکان در ضلع شمال‌غربی صغه ساخته شده‌اند. تنها بنايي که روی صغه فوقانی ساخته شده سکوی نیایشی است که در سه مرحله توسعه یافته است. این سکو که از بلوک‌های سنگی ساخته شده ۱۰/۴۵ متر طول و عرض ۶/۸۲ متر و ۱/۱۰ متر ارتفاع داشته است.

بر صفا پایینی معبدی واقع شده که گیرشمن آنرا معبد چهار ستونی نامیده است. زاویه‌های معبد برابر با جهت‌های اصلی است. طول معبد در ضلع شمال شرقی و نمای معبد ۲۲/۲۰ متر و عرض آن ۷/۵۰ متر است. نمای معبد را رواقی تشکیل می‌دهد که کف آن سنگ فرش و سقف آن روی ۱۶ ستون در دو ردیف ۸ تایی استوار شده است. معبد تالاری چهارستونی به ابعاد ۹/۲۰ × ۷/۲۵ متر دارد. ستون‌ها ۲/۳۰ متر از همدیگر فاصله دارند. در سه طرف این تالار سه اتاق مستطیل شکل قرار دارد که بین آنها ارتباطی وجود ندارد. هر یک از این سه تا اتاق با یک ورودی به تالار راه دارند. در ضلع شمال غربی معبد اتاق شماره چهار واقع شده است که با یک ورودی در ضلع شمال غربی به فضای خارجی معبد می‌رسد. ارتفاع باقی مانده دیوارهای معبد ۸۰ تا ۱۰۰ سانتی متر است. در بخش زیرین دیوارها از سنگ‌های نتراشیده کوچک و در بخش فوقانی آنها، که اکنون از بین رفته، از خشت استفاده شده است. از رواق معبد دو ستون کشف شد که با نقش‌های انسانی و گیاهی تزئین شده است (شکل ۹ راست). گیرشمن بر اساس نقش سر ستون‌های معبد چهار ستونی این معبد را به آنهایتا و میترا نسبت داده و باتوجه به سکه‌های الیمائید کشف شده از این معبد آنرا سده دوم میلادی تاریخگذاری کرده است (گیرشمن ۱۳۹۰؛ رضایی نیا ۱۳۸۱: ۲۷ - ۲۵).

۲-۱۲- مسجد سلیمان

بنای سر مسجد معروف به صفا مسجد در حاشیه شمالی شهر مسجد سلیمان واقع شده است و از نظر مصالح و نوع معماری از همان سبک و روش ساختمان سازی که در برد نشانده استفاده شده بهره برده شده است. صفا مسجد سلیمان که مطابق جهت‌های اصلی ساخته شده و از غرب به کوه تکیه دارد، و در سه جهت دیگر با سنگ‌های کوچک و بزرگ صفا سازی شده است. این سنگ‌ها به صورت خشکه‌چین روی هم قرار گرفته و با پشت بندهایی تقویت شده و نمای آنها اندکی تراش داده شده‌اند. صفا ۱۱ رشته پلکان دارد که در دو مرحله ساخته شده، مرحله اول شامل صفا I، مرحله دوم شامل صفا‌های VI, II روی صفا I سکوی نیایشی به ابعاد ۷×۸ متر و ارتفاع ۱/۴۰ متر ساخته شده است. بر اساس سکه‌های الیمائید کشف شده در این بنا، معبد بزرگ را بین سده اول میلادی تا اواسط سده چهارم میلادی تاریخگذاری کرده‌اند (رضایی نیا ۱۳۸۱: ۳۴ - ۲۸) (شکل ۲-۱۲-۱).



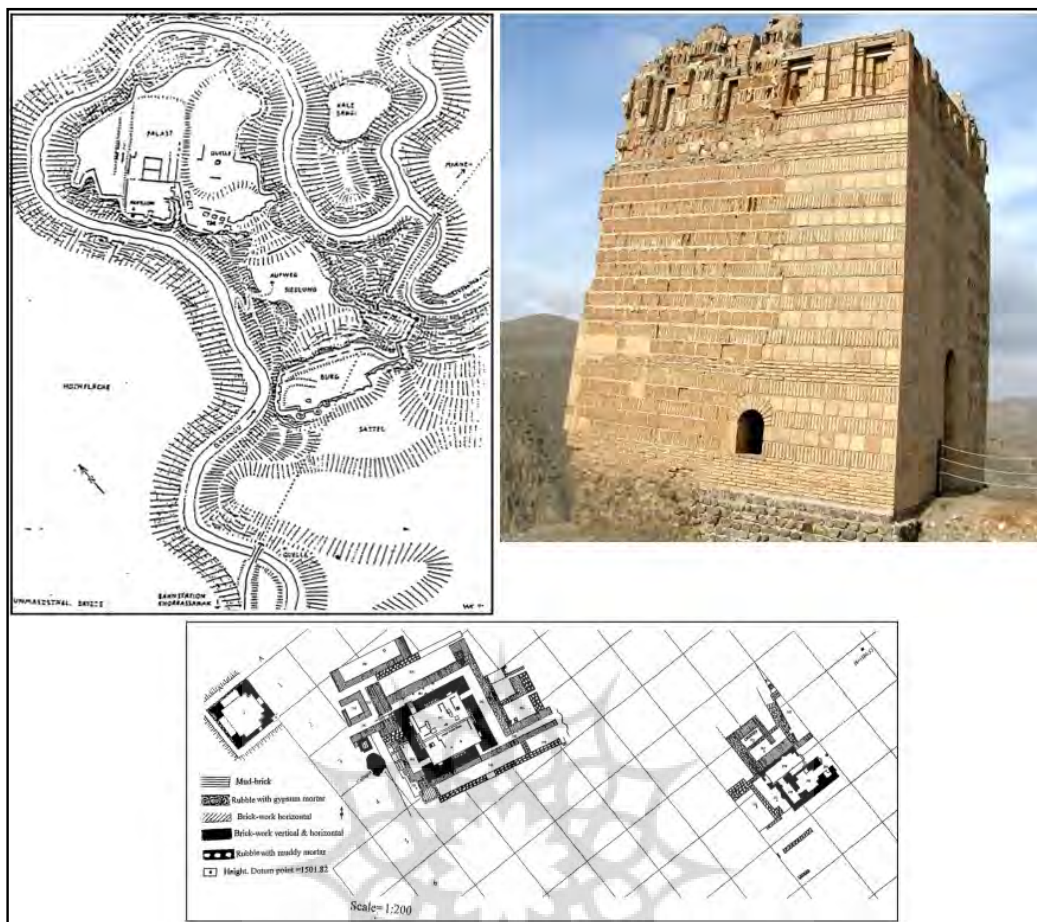
شکل ۲-۱۲-۱. راست: صفا برد نشانده و ستون‌های آن. (رضایی نیا ۱۳۸۱: ۲۶-۲۸)؛ راست: سکو و پلکان برد نشانده دوره سلوکی تا پارتی (کالج ۱۳۸۰ و <http://www.iranatlas.info/parseh/bardneshande.htm>).

۲-۱۳- قلعه زهک

قلعه زهک (زهنگ) در ۱۶ کیلومتری جنوب شرقی هشتروند، بر شبهه جزیره‌ای که در میان دو رود قرانقو و شورچای واقع است برپا شده، موقعیت توپوگرافیک این محوطه باستانی تقریباً مدور است (درخشی ۱۳۸۱: ۷۶). راه دسترسی به قلعه در جهت جنوب غرب آن واقع است. محققانی مانند مونت‌ایس ۱۸۳۰ م.، راولینسون ۱۸۴۰ م.، کارل شیپ مان ۱۹۶۴ م.، محمد تقی مصطفوی ۱۳۵۰ ه.ش. و ولگرام کلایس ۱۹۷۱ م. از این قلعه دیدن کرده‌اند (قندگر ۱۳۸۳: ۱۹۴). بناهای آن عبارتند از: حصارهای قلوه سنگی، برج‌ها، آب انبارها، ارگ بخش مرتفع شمالی قلعه و بنای معروف به چهار تاقی (سه تاقی) (درخشی ۱۳۸۱-۸۰: ۷۶). ساختمان قلعه از دو حصار جانبی پرتگاه‌های مشرف به رودخانه را در سمت غرب و شرق می‌بندد و با جبهه جنوبی مدخل آن را، که در زمینی باریک بین دو سطح مرتفع واقع شده، حفاظت می‌کند. حصار قلعه در سمت شرقی با پیش آمدگی برج مانند دفاعی تا ساحل رودخانه کشیده شده است. یک فرو رفتگی سطح صخره شمالی و جنوبی را به یکدیگر ربط می‌دهد. این فرو رفتگی پس از بنای قلعه بر سطح مرتفع جنوبی جزو ماندگاهی شده که قبل از بنای قلعه بر سطح مرتفع شمالی محدود می‌شده است (شکل ۲-۱۴-۱).

سمت مشرف به فرو رفتگی با حصار از سنگ‌های لاشه بزرگ و بدون ملات با پیش آمدگی‌های متناوب محافظت می‌شد. در بقایای این حصار قدیمی جای دروازه‌های مشخص است، که در این قسمت سفال‌های هزاره دوم پیدا شده است. که از قدمت قلعه حکایت دارد. احتمالاً استحکامات سطح مرتفع شمالی در دوره مانایی ساخته شده و قلعه در دوره ماد و هخامنشی هم مسکون بوده باشد. مهم‌ترین ساختمان محوطه عمارت کوچکی (پاویون) است که کنار پرتگاه قرار گرفته و در اطراف آن تکه‌های از قطعات گچ‌بری یا حکاکی شده به‌دست آمده است.

پاویون از آجرهایی به ابعاد $۳۲ \times ۳۲ \times ۶$ ، که به‌صورت ایستاده چیده شده، و پی‌ها از لاشه سنگ ساخته شده است. طول خارجی بنا در جهت شمالی و جنوبی یعنی در امتداد محور اصلی $۹/۱۰$ متر و عرض آن در امتداد محور شرقی و غربی ۹ متر و مقطع آن تقریباً مربع شکل است، با مقایسه تاق نماها و کتیبه‌های گچ‌بری آن با کاخ اشکانی در آشور تاریخ آنرا به قرن اول م. نسبت داده است. کلایس آنرا بنایی مذهبی نمی‌داند (Kleiss, 1973: 163-188). پوهانکا این پاویون بر اساس شباهت ظاهری تاقچه‌های موجود در فضای داخلی نزدیک دیواره بسته، این سازه را یک بنای یاد بود معرفی می‌کند، مشابه با بناهای یونانی و رومی باید مجسمه‌های کوچکی قرار می‌گرفت که کاربری این بنا را مشخص نماید (درخشی ۱۳۸۱: ۱۹). کالج این پاویون را دوره ساسانی تاریخ‌گذاری کرده است (Colledge, 1997: 28). اما جرجینا هرمان با مقایسه (آجرچینی) پاویون زهک با کوشک قلعه یزدگرد آنرا متعلق به اواخر دوره اشکانی می‌داند که بخشی از یک مجموعه بزرگتر است (هرمان ۹۱-۱۳۷۳: ۹۰) (شکل ۲-۱۳-۱).

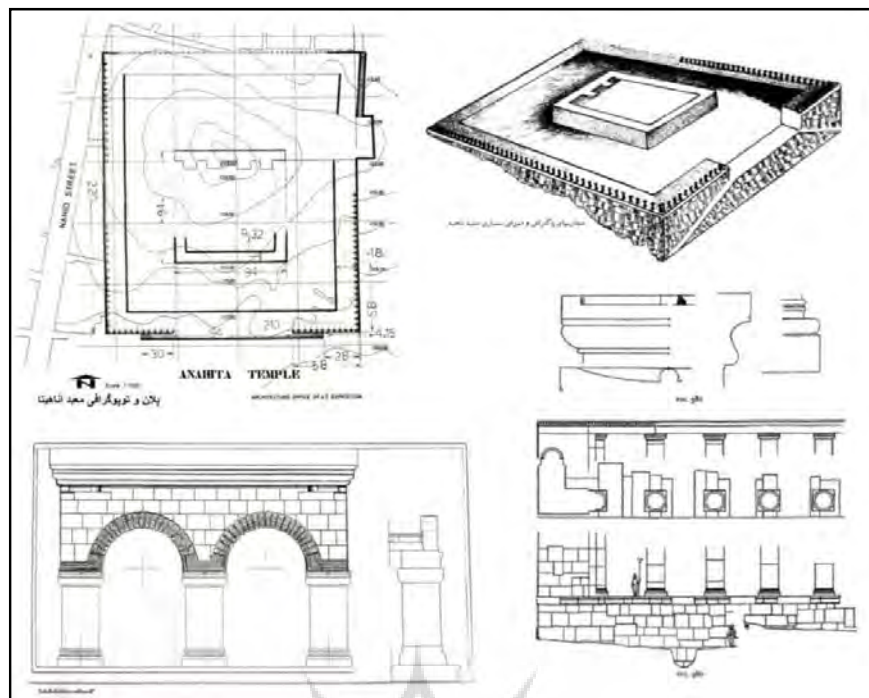


شکل ۲-۱۳-۱. نقشه قلعه زهک (Kleiss, 1973, P:165)، موقعیت بناهای کشف شده در

کاوش‌های ۷۹-۸۱ (درخشی ۱۳۸۱) و بنای چهارتاقی (<http://images.hamshahrionline.ir/images/2012/4/zahak7.jpg>).

۲-۱۴- کنگاور

این محوطه در فاصله بین همدان و کرمانشاه را برخی متعلق به دوره سلوکی و برخی به دوره پارت و عده‌ای مربوط به اواخر دوره ساسانی می‌دانند (سرفراز، ۱۳۸۷: ۱۳۲). بنای کنگاور روی تپه‌ای طبیعی با حداکثر ارتفاع ۳۲ متر نسبت به سطح زمین‌های اطراف ساخته شده است. در گوشه شمال غرب این محوطه امامزاده و مسجدی برپاست. این مسجد بازمانده از دوره ایلخانی و صفوی است. نقشه بنای کنگاور به صورت چهار گوش و به ابعاد ۲۰۹×۲۲۴ متر است که هر ضلع آن (دیوار خارجی) به شکل صفه‌ای به قطر ۱۸ متر است. این صفه‌ها با لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده‌اند که نمای بیرونی آنها به شکل سنگ‌های بزرگ تراشیده شده‌ای به صورت خشکه چین پوشش داده شده و گاهی برای اتصال برخی بلوک‌ها، از بست‌های آهنی و سربی استفاده شده است (کامبخش فرد، ۱۳۸۶، ۱۳۷۴). حجاری‌های این بنا یاد آور سبک و شیوه دوره هخامنشی است، شکل معماری آن مشتمل بر سرستون‌های دوریک که بر بالای آن قسمت هموار و تخت سرستون کرنتی بر پایه کرنتی قرار دارد، است (کالج، ۱۳۸۰: ۱۱۱) (شکل ۲-۱۴-۱).



شکل ۱۴-۱. چپ و راست بالا: پلان و بازسازی صفا (کامبخش فرد، ج ۱، ۱۳۸۶: ۲۴۲، ۳۳۲، ۳۸۷)؛ پائین راست و چپ: نمای پرستشگاه کنگاور و جزئیات ستون‌ها و قوس‌ها (Herzfeld, 1941, fig: 380, 381).

۲-۱۵-قلعه یزدگرد

دژ قلعه یزدگرد در نزدیکی دروازه زاگرس (شهر کرمانشاه) و گردنه‌ای که شاهرآه اصلی شرقی- غربی، شیب طولانی خود به سمت دشت‌های پایین دست را از آن آغاز می‌کند، واقع شده است. قلعه روی تلی مسطح و مرتفع واقع شده و دارای استحکامات طبیعی است که با ایجاد برج و باروی قطور موجبات تقویت بیشتر آن را فراهم آورده‌اند. در بالای قلعه که بر روی یک پرتگاه غیر قابل وصول واقع شده کاخی مجلل و مزین به گچبری‌های تزئینی به رنگ‌های عالی ساخته شده است (هرمان ۱۳۷۳: ۷۴). این محوطه توسط موزه پادشاهی اونتاریو کانادا در سال ۱۹۷۶ م. کاوش گردید. نکته جالب توجه در مورد آجرچینی در این محوطه است که به روش نامتعارف که قبلاً در آشور و دیگر محل‌های پارتی مورد استفاده قرار گرفته که آجرها را به صورت عمودی می‌چیدند و بعد از چند ردیف یک لایه آجر افقی روی آن چیده‌اند و گچکاری کرده‌اند (هرمان ۱۳۷۳: ۹۰).

این محل ۲۴ کیلومتر مربع زمین مسطح و مرتفع را اشغال کرده است که در سه سمت دارای استحکامات طبیعی است و دفاع از سمت چهارم با یک دیوار قطور که با برج‌های چهارگوش تقویت می‌شد و با استفاده از قلوه سنگ و ملات گچ ساخته شده بود، صورت می‌گرفت. در این نوع ساختمان در واقع سنگ‌ها را مثل مصالح بنایی نمی‌چینند. بلکه آنها را بدون استفاده از ملاتی که سریعاً خشک می‌شد به شکلی که می‌خواستند در می‌آوردند و سنگ داخل ملات نقش پرکننده داشت. اگر ملات به کار گرفته نمی‌شد سنگ‌ها فوری به ریخته و به صورت توده‌ای از سنگ در می‌آمد. در قلعه یزدگرد نوارهای عمودی گچ که مشخص کننده حایل‌هاست، دیده می‌شود. در داخل حصار که به خوبی از آن دفاع می‌شد، تعدادی بنا از جمله آنچه

احتمالاً یک دژ بلندتر است. ارگی مرکزی و باغی با یک کلاه فرنگی در یک انتهای آن واقع شده بود. این کلاه فرنگی آجری با تزئینات سرشار و حیرت انگیز گچی آراسته شده بود که بخش اعظم آن در حفاری‌های که در تابستان ۱۹۷۶ م. (Keal, 1980) آغاز شد نمایان گردیده است. تزئینات هم ساختمانی، یعنی تقلیدی از اجزای واقعی معماری و هم به صورت پیکره انسانی بود. از جمله تزئینات ساختمانی تعدادی نیم ستون و ستون‌هایی به چندین شکل متفاوت، گرد، شیاردار و حتی نمادار و تاقچه‌هایی مزین به افریزها و پاکار قوس‌های پرتکلف شیردال، انواع فراوان تزئینات مرکب از پیکره‌ها شامل پیکره‌های مردان و زنان برهنه و با لباس، رقصندگان، جنگاوران و نوازندگان بود. در میان مجموعه حیوانات سگ-پرنده یا سیمرغ که در دوره ساسانی بسیار متداول بود همراه با اسب‌های بالدار و دیگر حیوانات بالدار که روی سر ستون‌های نیم ستون‌ها در هم آمیخته بود، وجود داشت، احتمالاً خداوند این ملک به شکل نیم تنه روی یک مدال نشان داده شده است. موها به صورت دسته‌های بزرگ در دوطرف صورت که مستقیماً به چهره نظاره‌گر خیره شده جمع شده است. این مجموعه مفصل تزئینات به شکلی بسیار برجسته نقر و به طرزی درخشان با استفاده از انواع رنگ‌های روشن آبی، قرمز، زرد و سبز رنگ آمیزی شده بود. وجود قطعات موزاییک روی توده باستانی حاکی از آن است که در این کاخ کف‌هایی که با موزاییک مفروش شده بود وجود داشته است.

فراوانی گچبری‌های به جا مانده در قلعه یزدگرد حفاری در این محل را کند و توان فرسا کرده است. این قلعه در ۵۰ سال آخر دوره پارتی مورد استفاده قرار گرفته است و نمایان گر آخرین تحولات هنر و معماری دوران پارتی است (هرمان ۹۲-۱۳۷۳: ۹۱). از طرف دیگر حفار معتقد است که این مجموعه محل سکونت و اقامتگاه خانی فتودال بوده که بی اعتنا به شاهانشاه و بدون ترس از مجازات به تاراج کاروان‌ها در شاهراه دست می‌زد و با استفاده از ثروتی که به دست می‌آورد در این قلعه باغ دار روزگار می‌گذراند (Keal, 1980) (شکل ۲-۱۵-۳).



شکل ۲-۱۵-۱. بخش معروف بان زرده قلعه یزدگرد کرمانشاه (http://www.bistoonwall.com/article-print-148.html).



شکل ۲-۱۵-۲. بارو و برج‌های قلعه یزدگرد کرمانشاه (<http://www.bistoonwall.com/article-print-148.html>).



شکل ۳-۱۵-۲. جزئیات تاق‌ها و پوشش بناهای داخلی قلعه یزدگرد کرمانشاه (-<http://www.bistoonwall.com/article-print-148.html>).

۳- نتیجه گیری

به سبب پهناوری و وسعت بسیار شاهنشاهی اشکانی و گوناگونی سنت‌های مناطق تحت سیطره آنها، یک سبک معماری نمی‌توانسته وجود داشته باشد. بنابراین معماری پارتی تحت تأثیر و برگرفته از سنت‌های کهن آسیای مرکزی، ویژگی معماری نواحی داخلی ایران، سنت‌های معماری یونانی و ویژگی‌ها و سبک‌های معماری بین‌النهرین بوده است. همین عامل سبب اشتباه محققین در انتساب بسیاری از بناها به دوره پیش

و پس از پارتیان شده، اما در کنار نیم ستون‌های تزئینی و گچبری‌ها، می‌توان گفت که مهم‌ترین ویژگی شهرسازی دوره پارتیان ساختن شهرها به شکل تقریباً دایره‌ای بوده که این شیوه شهرسازی بیشتر جنبه دفاعی و نظامی داشته است و از اردوگاه‌های نظامی آشوری الهام گرفته‌اند. این شیوه شهرسازی در دوره ساسانی در شهر فیروز آباد و در دوره اسلامی در شهر بغداد مورد استفاده قرار می‌گیرد و به اوج خود می‌رسد. تنوع استفاده از مواد و مصالح بومی یکی دیگر از ویژگی‌های معماری دوره اشکانی است. این موضوع سبب پدید آمدن سبک‌ها و سنت‌های گوناگونی در این دوره شده است، که گاهی در تضاد باهم بودند، مشکلات معماران عبارت بود از ایجاد هماهنگی و همچنین به‌کارگیری اصول یونانی و بعدها رومی که مصالح آنها با مصالح بومی تفاوت داشت، همه این مسائل تا سده اول م. حل شد و معماران توانستند بر این مشکلات فائق می‌آیند و بین این سبک‌ها یک هماهنگی ایجاد می‌شود. معماران پارتی عناصر رومی (ستون و تیر اصلی) و مانند آنها را در دگرگون کرده و در تزئینات به‌کار بستند، ستون‌ها تبدیل به نیم ستون‌های چسپیده به دیوار یا جرز و تیر اصلی با فریز تزئین گردید و تالارهای یونانی تبدیل به ایوان گردید که در واقع از ابداعات پارتیان است، به‌کارگیری آجر و پیشرفت کار آرایش با گچ‌کاری این امر را تسهیل کرد و با تبدیل عناصر اصلی معماری یونانی به تزئینی (مانند ستون‌ها) این عناصر جنبه‌های گوناگون به خود گرفتند و همچنین معماران در ساخت و تزئینات به عناصر و سنت‌های کهن بومی توجه نشان دادند. از طرف دیگر استفاده از گچ باعث گردید که معماران پارتی بتوانند برای پوشش سقف‌ها از تاق و گنبد استفاده کنند، هرچند که آثار هیچ گنبدی از این دوره به‌دست نیامده است، ولی در کوه خواجه نشانه‌های از استفاده از گوشوار و تاق به‌دست آمده که پایه‌ای برای ساخت تاق‌های عظیم در دوره ساسانی و دوره‌های بعد گردید.

پی نوشت

۱. هرچند معماری اشکانی بدون اشاره به بخش غربی این شاهنشاهی ناقص خواهد بود، اما نگارنده برای جلوگیری از اطناب کلام در نوشته‌ای جداگانه به بررسی آثار معماری اشکانی باقی مانده در عراق و سوریه امروزی (نیپور، کیش، سلوکیه، آشور، الحضر، اروک، درورا اروپوس، پالمیر و بناهای آرامگاهی) خواهد پرداخت.

منابع

- برنارد، پل، (۱۳۷۵)، سلوکی‌ها در آسیای مرکزی، تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی بخش اول از ج ۲، ترجمه: صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- بهزادی، رقیه، (۱۳۷۳)، قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
- تالبوت رایس، تامارا، (۱۳۷۲)، هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: بردار.
- درخشی، حسن، (۱۳۸۱)، بررسی و تطبیق معماری دوره اشکانیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- رهبر، مهدی، (۱۳۷۶)، کاوش آرامگاه‌های الیمایی گلالک شوشتر، یادنامه اولین همایش باستان‌شناسی - شوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- رهبر، مهدی، (۱۳۸۲)، کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه، مدیریت میراث فرهنگی استان مرکزی، تهران: پازینه.
- سرفراز، علی اکبر و بهمن فیروزمندی، (۱۳۸۷)، باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، تهران: مارلیک.
- سید سجادی، منصور، (۱۳۸۳)، مرو بازسازی جغرافیایی تاریخی یک شهر برپایه نوشته‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- فرامکین، گرگوار، (۱۳۷۲)، باستان‌شناسی در آسیای مرکزی، ترجمه: صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- قندگر، جواد، حسین اسماعیلی و محمد رحمت پور، (۱۳۸۳)، کاوش‌های قلعه اژدهاک هشترود، مجموعه مقالات بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- کالج، مالکوم، (۱۳۸۰)، اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: هیرمند.
- کامبخش فرد، سیف الله، (۱۳۸۶)، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و احیا معماری آن‌اهیتای کنگاور و تاق گرا، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

کامبخش فرد، سیف الله، (۱۳۷۴)، معبد آناهیتای کنگاور، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
کیل، ادوارد، (۱۳۶۷)، نگاهی به معماری یادمانی قلعه یزدگرد، ترجمه: بهروز عمرانی، اثر شماره ۲۶.
کوشلنکو، گ.ا.و.ن. پیلیکو، (۱۳۷۵)، پارت، تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی بخش اول از ج ۲، ترجمه: صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: وزارت امور خارجه.
گیرشمن، رمان، (۱۳۹۰)، هنر ایران پارت و ساسانی، ترجمه: بهرام فره‌وشی، تهران: علمی و فرهنگی.
گیرشمن، رمان، (۱۳۷۹)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه: محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
محمدی فر، یعقوب، (۱۳۸۷)، باستان‌شناسی و هنر اشکانی، تهران: سمت.
موسوی، محمود، (۱۳۷۴)، یادمان خشتی کوه خواجه، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ج ۴، تهران: میراث فرهنگی کشور.
نوروززاده چگینی، ناصر، (۱۳۷۴)، ضراب‌خانه پایتخت‌های ایران، پایتخت‌های ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
ویسهوفر، ژوزف، (۱۳۷۸)، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ ب.م، تهران: ققنوس.
ورث، چالز مارتین، (۱۳۶۶)، قومس، شهرهای ایران، محمدیوسف کیانی ج ۲، تهران: جهاد دانشگاهی.
هرمان، جرجینا، (۱۳۷۳)، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه: مهرداد وحدتی، تهران: نشر دانشگاهی.
هرینک، ارنی، (۱۳۷۶)، سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه حمیده چوبک، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

Bernard, P. (1971) 'La campagne de fouilles de 1970 a Ai Khanoum (Afghanistan)',
Comptes-rendus de l'Academie des inscriptions et belles-lettres, 385-452.
Colledge, M. (1997), Parthian Art, London.
Colledge, Malcolm, (1987), Greek and non-Greek Interaction in the Art and Architecture of
the Hellenistic East, Hellenism in the East, edited by Amelie Kuhrt and Susan Sherwin-White,
University of California Press Berkeley and Los Angeles, pp. 134-163.
Downey, S. (1986), History of art in Iran IV. Parthian, dans Encyclopedia Iranica, E. Yarshater
(Ed), VOL, II, fasc. 3, pp. 297-301.
Feroozi, Abdul Wasey, (2004), The Impact of War upon Afghanistan's Cultural Heritage, the
national institute of archaeology, ministry of information and culture of Afghanistan at the
105th annual meeting of the archaeological institute of America in San Francisco.
Kleiss, W. (1973), Qalah Zohak in Azarbaijan, AMLN.F 6, pp: 163-188.
Keal, E. J. (1980), Qalah-I Yazdigird, its Architectural- Decorations, Iran XVIII.
Laurianne Martinez-Seve, (2014), The Spatial Organization of Ai Khanoum, a Greek City in
Afghanistan, American Journal of Archaeology, Vol. 118, No. 2, pp. 267-283.
-Gullini G, (1964). Architettura Iranica Dagli Achemenidi ai Sasanidi,
il palazzo Di Kuh I Khawagio, Einaudi, Turin.

Herzfeld.E.Ernst,(1941).Iran in the Ancient East. London.

Stein, Sir Aurel, (1940), Old Routes Western Iran, London.

Invernizzi A.,(2000),The Square House at Old Nisa, Parthica 2, pp. 13-53

<http://images.hamshahrionline.ir/images/2012/4/zahak7.jpg>-

<http://www.iranatlas.info/parth/khaje.htm>-

<http://www.iranatlas.info/parseh/bardneshande.htm>-

<http://www.bistoonwall.com/article-print-148.html>-

